

فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه

سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۹۳، صص ۳۱-۵۲

## مقایسه مدل‌های ذهنی گویشوران فارسی‌زبان و هورامی‌زبان (بررسی موردی فعل 'خوردن')<sup>۱</sup>

بلقیس روشن<sup>۲</sup>

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

بیستون عباسی<sup>۳</sup>

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف استخراج و مقایسه مدل‌های ذهنی گویشوران فارسی و هورامی انجام شده است. برای نیل به این هدف، مدل‌هایی که، به باور نگارندگان، گویشوران فارسی از فعل «خوردن» و گویشوران هورامی از فعل wardæjz 'خوردن' در ذهن خود دارند، استخراج شده و مبنای مقایسه قرار گرفته‌اند. مدل‌های به دست آمده، هر دو، تا حدی پیچیده و گسترده و در عین حال عمیقاً شبیه هستند تا آنجا که تفاوت آنها قابل چشم‌پوشی است. هر دو مدل دارای سه الگوی تکرارشونده یکسان هستند. بنابراین، بر اساس استدلال‌هایی که بر مبنای الگوها می‌توان کرد، معانی مختلفی که دو فعل مذکور، در هر دو زبان، پوشش می‌دهند، مطابق یکدیگر و یکسان هستند.

کلیدواژه‌ها: مدل‌های ذهنی، استدلال، فعل 'خوردن'، فارسی، هورامی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۲۵

bl\_rovshan@pnu.ac.ir

bistoona@yahoo.com

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

۲- پست الکترونیکی:

۳- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

## ۱- مقدمه

گاهی در شبکه‌های اجتماعی نوین شاهد بازی‌های زبانی هستیم، بازی با کلمات، شوخی‌هایی که تلنگرهایی به کاربردهای عادی شده و از دیرباز پذیرفته‌شده اهل زبان می‌زنند و برای لحظاتی عباراتی را در معرض خودآگاهی مخاطب قرار داده و وی را با جوهره منطقی غیرعادی اما به لحاظ زبانی صحیح آن عبارات آشنا می‌کنند. در یکی از این شوخی‌های زبانی آمده است:

(۱) آیا می‌دانید اگر کسی در سیاره مریخ پایش پیچ بخورد و تعادل خود را از دست بدهد و بیفتد، زمین نمی‌خورد بلکه مریخ می‌خورد؟

موضوعات شایسته توجه متعددی در جمله (۱) وجود دارد. یکی از این موضوعات، محدودیت‌های زبان بشر است. شاید زبان ما تنها برای سیاره زمین کاربرد دارد و به کار ایجاد ارتباط، اندیشیدن و سخن گفتن در محیط مریخ و درباره اوضاع و احوال متفاوت حاکم بر مریخ نیاید. زبان ما و مفاهیم انباشته در ذهن ما، چنان‌که زبان‌شناسان شناختی باور دارند، به شدت متأثر از تجربه‌های ما هستند (نک. روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲). اعضای جوامع مختلف، زبان‌های متفاوت، تجربه‌های متفاوت و در نتیجه، مفاهیم ذهنی متفاوت دارند و نسیت زبان تنها موضوعی بین سیاره‌ای نیست و از جامعه‌ای به جامعه دیگر، هرچند بسیار نزدیک به هم و آمیخته باشند، نیز با اندکی مذاقه قابل مشاهده است.

موضوع دیگری که از مثال (۱) به ذهن متبادر می‌شود، این پرسش است که «مگر ما زمین را می‌خوریم که از عبارت «زمین خوردن» استفاده می‌کنیم» و همین پرسش مقدمه بسیاری پرسش دیگر نیز می‌شود؛ پرسش از «غصه خوردن»، «فریب خوردن»، «چک خوردن»، «تیر خوردن» و انبوهی از ترکیب‌ها، عبارت‌ها و گزاره‌های مشابه دیگر که در مقام موضوعات یک بررسی علمی، مانند «سیب خوردن» عادی و متعارف نیستند و توضیح و توجیه طلب می‌کنند. ما از «خوردن» در ذهن خود چه داریم که با آن هم «سیب» می‌خوریم، هم «زمین»، هم آنچه نمی‌شود و هم آنچه نباید خورد؟ یکی از راه‌های پرداختن به این پرسش و پرسش‌هایی از این دست، توسل به «نظریه مدل‌های ذهنی»<sup>۴</sup> است.

نام نظریه مدل‌های ذهنی با نام فیلیپ جانسون- لیرد<sup>۵</sup>، استاد روان‌شناسی دانشگاه پرینستون، گره خورده است و عموماً این نظریه را (نه چندان بیراه) به نام وی می‌شناسند. طبق تعریف جانسون- لیرد (۱۹۸۳، نقل از: استرنبرگ<sup>۶</sup>، ۱۳۸۷) مدل ذهنی بازنمایی درونی اطلاعاتی است که متناظر است با چیزی که بازنمایی شده است. بر این اساس، مدل‌های ذهنی مشابه مدل‌هایی هستند که معماران از ساختمان‌ها و شیمیدانان از ساختار مولکول‌های پیچیده تهیه می‌کنند (جانسون- لیرد، ۱۹۹۵: ۵۲۵). انسان جهان را مستقیماً درک نمی‌کند، بلکه از آن تنها یک بازنمایی درونی دارد؛ یک مدل ذهنی شرایطی را در جهان خارج بازنمایی می‌کند و ساختار آن بازتاب جنبه‌های مختلف آن شرایط است (جانسون- لیرد، ۱۹۸۰: ۹۸). مدل‌ها می‌توانند دو یا سه بعدی و پویا نیز باشند (همان: ۹۹).

در پژوهش حاضر، با الهام از نظریه جانسون- لیرد، مدل‌های ذهنی فارسی‌زبانان و هورامی‌زبانان، که به باور ما در ذهن گویشوران این زبان‌ها وجود دارند، مقایسه می‌شوند. اساس مقایسه فعل «خوردن» و معادل هورامی آن wardæj است. البته روشن است که بررسی و مقایسه تنها یک فعل نمی‌تواند و نباید اساس تعمیم قرار گیرد، و این پژوهش، امید این است که تنها قطعه‌ای کوچک باشد از پازل هنوز ناتمام زبان و، در سطحی بسیار خردتر، زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی.

هورامی زبانی است که در منطقه هورامان، واقع در استان‌های کرمانشاه و کردستان و قسمتی کوچک از کردستان عراق، قریب بیش از صد هزار گویشور دارد. این زبان را عضوی از شاخه گورانی یا، چنان‌که برخی می‌گویند، شاخه گورانی - هورامی - زازا دانسته‌اند، که در زمره زبان‌های ایرانی شمال غربی قرار دارند (مکنزی<sup>۷</sup>، ۱۹۸۷ و ۲۰۰۲؛ گونتر<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳؛ هایگ<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴). این زبان اخیراً مورد توجه بیشتر پژوهشگران قرار گرفته و مقالاتی درباره آن منتشر شده است، از جمله: عباسی و قیطوری (۲۰۱۲)، عباسی و کزازی (۱۳۹۲)، راسخ مهند و نقشبندی (۱۳۹۲)، نقشبندی (۱۳۹۲) و کامبوزیا و سجادی (۱۳۹۲). هورامی دارای گونه‌های

---

5. P. N. Johnson-Laird  
6. R. Sternberg  
7. D. N. MacKenzie  
8. M. M. Gunter  
9. G. L. Haig

مختلفی است که تفاوت‌های کمابیش زیادی با هم دارند. گونه مورد بررسی در این پژوهش، گونه مورد استفاده در شهر پاوه است و در ادامه، هر جا که واژه هورامی ذکر می‌شود مراد همین گونه پاوه است. پاوه شهری است در غرب ایران، واقع در استان کرمانشاه و نزدیک مرز کردستان عراق، با جمعیتی حدود بیست هزار نفر که غالباً هورامی تکلم می‌کنند.

روش تحقیق میدانی و توصیفی-تحلیلی است. داده‌های هورامی پژوهش حاضر در وهله اول برگرفته از داده‌های از پیش موجود نگارندگان است که از سال ۱۳۸۹ تاکنون و برای پژوهش‌های دیگری گردآوری شده‌اند. علاوه بر این، جهت تکمیل داده‌های مورد نیاز این پژوهش از مشاهده، تعدادی مصاحبه و نیز شمّ زبانی یکی از نگارندگان که خود گویشور هورامی است، استفاده شده است. داده‌های فارسی نیز از فرهنگ متوسط دهخدا (۱۳۸۵)، فرهنگ در دست تألیف غلامعلی زاده و عباسی و با یاری شمّ زبانی نگارندگان، گردآوری شده است.

پرسش‌هایی که این بررسی در پی یافتن پاسخ آنها است، عبارتند از:

- ۱- مدل ذهنی فارسی‌زبانان از فعل «خوردن» چگونه است؟
- ۲- مدل ذهنی هورامی‌زبانان از فعل 'wardæj خوردن' چگونه است؟
- ۳- آیا مدل‌های ذهنی فارسی‌زبانان و هورامی‌زبانان تفاوتی با هم دارند؟

در ادامه، نخست به معرفی مختصری از نظریه مدل‌های ذهنی می‌پردازیم؛ سپس به ترتیب مدل ذهنی فارسی‌زبانان و هورامی‌زبانان بررسی می‌شوند؛ و در نهایت، دو مدل مقایسه شده و نتیجه بررسی ارائه خواهد شد.

## ۲- نظریه مدل‌های ذهنی

چنان‌که جانسون-لیرد (۱۹۸۰ و ۱۹۹۵) خود می‌گوید، مفهوم مدل‌های ذهنی را، به عنوان بازنمایی‌های روان‌شناختی موقعیت‌های واقعی، فرضی یا تخیلی، نخستین بار کریک<sup>۱۰</sup> (۱۹۴۳) مطرح کرده است. کریک (همان) مدل‌های ذهنی را «مدل‌هایی در مقیاس کوچک» از واقعیت می‌داند.

جانسون-لیرد مدل‌های ذهنی را در مقابل سایر گونه‌های بازنمایی ذهنی، که عبارتند از گزاره‌ها<sup>۱۱</sup> و تصاویر<sup>۱۲</sup>، قرار می‌دهد (جانسون-لیرد، ۱۹۸۰ و گارمن<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۰)؛ و کاربرد

10. K. Craik  
11. proposition  
12. image  
13. M. Garman

نظریه‌اش، گرچه به حوزه‌های متعددی چون ادراک دیداری، حافظه و درک پیام مکتوب راه یافته، بیشتر در زمینه «استدلال» و در هیئت رقیب سرسخت دیدگاه منطق ذهنی بوده است؛ ما با مدل‌های ذهنی استدلال می‌کنیم نه با قواعد منطق صوری (تاگارد<sup>۱۴</sup>، ۱۳۹۱). به باور وی، توانایی استنباط کردن بر پایه استعداد ساختن و اداره کردن مدل‌های ذهنی استوار است و ادراک فرآیندی از ساخت مدل‌های ذهنی است (جانسون- لیرد، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۸). گذشته از این‌ها، در مقابل نظریات تجزیه<sup>۱۵</sup> و بدیهیات معنایی<sup>۱۶</sup> نیز اعلام موضع کرده و خود را در قالب نظریه‌ای معنایی تعریف می‌کند (جانسون- لیرد، ۱۹۸۰). گفتنی است که جانسون- لیرد (۱۹۷۷) بیشتر نظریه «معناشناسی رویه‌ای»<sup>۱۷</sup> را، البته نه به عنوان اولین و تنها بنیان‌گذار آن، معرفی کرده بود.

بر اساس این نظریه، بازنمایی ذهنی اولیه یک پاره‌گفتار که به صورت زبانی آن نزدیک‌تر است، برای ساخت مدلی از شرایطی که آن پاره‌گفتار توضیح می‌دهد یا درخواست می‌کند و یا مورد سؤال قرار می‌دهد، به کار می‌رود (جانسون- لیرد، ۱۹۸۸: ۱۱۰). مدل‌های ذهنی بر اساس گزاره‌های ذهنی ساخته می‌شوند (جانسون- لیرد، ۱۹۸۰). این فرایند توسط دانش شرایط صدق پاره‌گفتار، دانش چگونگی ترکیب معانی بر اساس نحو، دانشی از بافت و دانش حوزه مورد گفتگو و قراردادهای گفتمانی هدایت می‌شود (جانسون- لیرد، ۱۹۸۸: ۱۱۰). مثال آشنای مدل‌های ذهنی و سازوکار آن، جمله‌های مثال (۲) هستند (بر اساس جانسون- لیرد، ۱۹۸۳):

(۲) برخی هنرمندان زنبوردارند.

همه زنبورداران شیمیدان هستند.

می‌توان مدلی را تصور کرد که بر اساس این دو گزاره و رابطه میان آنها، در ذهن شنونده ایجاد می‌شود و مشابه جدول (۱) است:

---

14. P. Thagard

15. decomposition

16. meaning postulates

17. procedural semantics

جدول شماره (۱). مدل ذهنی حاصل از گزاره‌های مثال (۲)

هنرمند	هنرمند	شیمیدان
هنرمند	زنبوردار	شیمیدان
هنرمند	زنبوردار	شیمیدان
	زنبوردار	شیمیدان
	زنبوردار	شیمیدان

طبق این مدل، چنان‌که از قسمت درون کادر مشهود است، می‌توان نتیجه گرفت که «برخی هنرمندان شیمیدان هستند»، یا «برخی شیمیدانان هنرمند هستند». اما این گزاره‌ها می‌توانند منجر به مدلی متفاوت نیز بشوند، مانند جدول (۲):

جدول شماره (۲). دیگر مدل ذهنی حاصل از گزاره‌های مثال (۲)

هنرمند	
هنرمند	زنبوردار
هنرمند	زنبوردار
	زنبوردار
	زنبوردار
	شیمیدان

بر اساس این مدل، دیگر چنان نتیجه‌ای نمی‌توان گرفت. برخی هنرمندان زنبوردارند و برخی زنبورداران شیمیدان، اما لزوماً این «برخی» همان «برخی» نیستند و عضو مشترک نیز ندارند. حتی می‌توان مدل ذهنی دیگری نیز ساخت که در آن، این دو «برخی» کاملاً منطبق بر هم هستند و در نتیجه زنبورداران هنرمند همان زنبورداران شیمیدان هستند.

### ۳- مدل‌های ذهنی فارسی‌زبانان و هورامی‌زبانان و مقایسه آنها

#### ۳-۱- مدل ذهنی فارسی‌زبانان

گستره کاربرد فعل «خوردن» در زبان فارسی بسیار وسیع است. رتبه ۴۰۲ در میان ۱۸۶۸ واژه، با فراوانی ۲۷۷۸ مرتبه، و رتبه ۳۳ در میان افعال، تنها در پیکره نوشتاری فرهنگ بسامدی فارسی (بی‌جن‌خان و محسنی، ۱۳۹۰)، مؤید این ادعا است. در جدول (۳) تنها بخشی از واژه‌هایی که با این فعل به کار می‌روند و (به مفهوم غیرفنی آن) موضوع «خوردن» واقع می‌شوند، ارائه و طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول شماره (۳). طبقه‌بندی برخی از واژه‌هایی که در زبان فارسی با فعل «خوردن» همراه می‌شوند

عینی					انتزاعی
غیر خوراکی		قابل خوردن	خوراکی		
حالت یا عمل	ماده		مایع	جامد	
کنک	هوا	سم	آب	غذا	غصه
اردنگی	پول	زهر	چای	میوه	حرص
توسری	مال	تریاک	نوشابه	نان	دریغ
لگد	زمین	خاک	دوغ	آب‌نبات	افسوس
چک	سرما	خون	شربت	بستنی	حسرت
پس‌گردنی	خط			لواشک	غبطه
لیز	بخیه	...	...	قرص	اندوه
سُر	رشوه			آدامس	غم
تا	نزول			...	پشیمانی
پیچ	انگشت				ترس
تاب	ناخن				گول
چین	گره				فریب
غلت	بو				کلک
ضربه	پا				ضرر
آسیب	چشم				حق
جوش	تیر				سهم
پیوند	گلوله				قسم
شکست	شمشیر				سوگند
بازی	دست				
تکان	باد				
ترک	دود چراغ				
جر	آفتاب				
یکه	پیمانه				
تلوتلو	رودست				
	نور				

چنان‌که از جدول (۳) پیدا است، حوزهٔ واژگانی‌ای که فارسی‌زبانان برای فعل «خوردن» در ذهن خود دارند، به طور بالقوه حاوی عناصر متعددی است که طیفی از مفاهیم انتزاعی مانند «غم» و «حسرت» تا پدیده‌های ملموسی چون «غذا» و «آب» را شامل می‌شود؛ از چیزهایی که

برای خوردن و واقعاً قابل خوردن هستند تا پدیده‌هایی که وجود خارجی ندارند که خورده شوند و تا چیزهایی که نمی‌شود و نباید خورد. بر این اساس، می‌توان پیش‌بینی کرد که در مدل ذهنی فارسی‌زبانان، فعل «خوردن» بازنمایی‌های گوناگونی دارد. برای مثال، با نگاهی تنها به ستون پدیده‌های عینی خوراکی می‌توان دریافت که خوردن به طرق گوناگونی قابل تعریف است: الف) گذاشتن خوراکی جامد در دهان، جویدن و بلعیدن آن (مانند غذا و میوه)؛ ب) گذاشتن خوراکی جامد در دهان و (بدون جویدن) بلعیدن آن (مانند قرص و بستنی)؛ پ) گذاشتن خوراکی جامد در دهان و جویدن آن (بدون بلعیدن) (مانند آدامس)؛ ت) گذاشتن خوراکی جامد در دهان و مکیدن آن (بدون جویدن و بلعیدن) (مانند آب‌نبات)؛ ث) لیسیدن خوراکی جامد (مانند لواشک و آب‌نبات چوبی)؛ و ج) نوشیدن خوراکی مایع. اما این همه موضوع نیست؛ دیگر ستون‌های جدول فوق الگوهای دیگری می‌طلبند که تعریف آنها به آسانی مقولات قبل نیست. خوردن «غصه» چگونه انجام می‌شود؟ یا خوردن گلوله؟ یا لگد؟ بر اساس داده‌های جدول (۳) و بسیاری دیگر از باهم‌آیی‌هایی که «خوردن» عضوی از آنها است، اما در جدول فهرست نشده‌اند، می‌توان تابلوی ذهنی فرضی فارسی‌زبانان از فعل «خوردن» را به صورت جدول (۴) ترسیم کرد.

جدول شماره (۴). تابلوی ذهنی فارسی‌زبانان از فعل «خوردن»

الف)	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	خوردن	جویدن و بلعیدن
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	خوردن	جویدن و بلعیدن
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد		
ب)			لیسیدن	
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	لیسیدن	
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	لیسیدن	
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد		
پ)	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	بلعیدن	
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	بلعیدن	
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد		
ت)	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	جویدن	
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	جویدن	
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد		



جویدن و بلعیدن	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی قابل خوردن جامد	خوردن	(ث)
جویدن و بلعیدن	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی قابل خوردن جامد	خوردن	
		پدیده‌های عینی غیر خوراکی قابل خوردن جامد	خوردن	
نوشیدن = آشامیدن		پدیده‌های عینی خوراکی مایع	خوردن	(ج)
نوشیدن = آشامیدن		پدیده‌های عینی خوراکی مایع	خوردن	
		پدیده‌های عینی خوراکی مایع	خوردن	
نوشیدن = آشامیدن		پدیده‌های عینی غیر خوراکی قابل خوردن مایع	خوردن	(چ)
		پدیده‌های عینی غیر خوراکی قابل خوردن مایع	خوردن	
		پدیده‌های عینی غیر خوراکی قابل خوردن مایع	خوردن	
استنشاق کردن				(ح)
استنشاق کردن		پدیده‌های عینی غیر خوراکی گازی	خوردن	
		پدیده‌های عینی غیر خوراکی گازی	خوردن	
		پدیده‌های عینی غیر خوراکی گازی	خوردن	
برخورد کردن، مورد هدف قرار گرفتن				(خ)
برخورد کردن، مورد هدف قرار گرفتن		پدیده‌های عینی غیر خوراکی غیر قابل خوردن	خوردن	
برخورد کردن، مورد هدف قرار گرفتن		پدیده‌های عینی غیر خوراکی غیر قابل خوردن	خوردن	
		پدیده‌های عینی غیر خوراکی غیر قابل خوردن	خوردن	
مصرف کردن، تلف کردن				(د)
مصرف کردن، تلف کردن		پدیده‌های عینی غیر خوراکی غیر قابل خوردن	خوردن	
مصرف کردن، تلف کردن		پدیده‌های عینی غیر خوراکی غیر قابل خوردن	خوردن	

	پدیده‌های عینی غیرخوراکی	خوردن
	غیرقابل خوردن	
جذب کردن		(ذ)
جذب کردن	پدیده‌های عینی غیرخوراکی	خوردن
	غیرقابل خوردن مایع و گاز	
	پدیده‌های عینی غیرخوراکی	خوردن
	غیرقابل خوردن مایع و گاز	
	پدیده‌های عینی غیرخوراکی	خوردن
	غیرقابل خوردن مایع و گاز	
احساس کردن، تجربه کردن		(ر)
احساس کردن، تجربه کردن	پدیده‌های انتزاعی	خوردن
	پدیده‌های انتزاعی	خوردن
	پدیده‌های انتزاعی	خوردن
معنای استعاری	پدیده‌های انتزاعی	خوردن (ز)
معنای استعاری	پدیده‌های انتزاعی	خوردن
	پدیده‌های انتزاعی	خوردن

حال به بررسی بیشتر تابلوی فوق می‌پردازیم. از این تابلو سه الگوی کلی مدل‌های ذهنی قابل استخراج است که از قرار زیر هستند.

#### الگوی اول

Y	X
Y	X
	X

بر اساس این الگو که انگاره کلی قسمت‌های (الف)، (پ)، (ت)، (ث)، (ج)، (چ) و (ز) است، «برخی Xها Y هستند و از طرف دیگر همه Yها X هستند». به عنوان مثال، با توجه به قسمت الف در تابلو که مربوط به پدیده‌های عینی خوراکی جامد است و در جدول (۵) مشاهده می‌شود، و معنای انگاره مورد بررسی، می‌توان چنین استدلال کرد: «برخی «خوردن»ها «خوردن (به معنای جویدن و بلعیدن)» پدیده‌های عینی خوراکی جامد هستند، اما همه «خوردن (به معنای جویدن و بلعیدن)»های پدیده‌های عینی خوراکی جامد «خوردن» هستند؛ در نتیجه، گاهی «خوردن» به معنی «خوردن (به معنای جویدن و بلعیدن)» پدیده‌های عینی خوراکی

جامد است، و همیشه «خوردن» (به معنای جویدن و بلعیدن) «پدیده‌های عینی خوراکی جامد به معنی «خوردن» است».

جدول شماره (۵). بخش (الف) از مدل ذهنی در فارسی‌زبانان

خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	خوردن (به معنای جویدن و بلعیدن)
خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	خوردن (به معنای جویدن و بلعیدن)
خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	

به قیاس از این مورد می‌توان برای قسمت‌هایی از تابلو که از الگوی اول پیروی می‌کنند، به شرح زیر استدلال کرد:

پ) برخی «خوردن»‌ها «بلعیدن» هستند اما همه «بلعیدن»‌ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، گاهی «خوردن» به معنی «بلعیدن» است، و همیشه «بلعیدن» به معنی «خوردن» است؛

ت) برخی «خوردن»‌ها «جویدن» هستند اما همه «جویدن»‌ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، گاهی «خوردن» به معنی «جویدن» است، و همیشه «جویدن» به معنی «خوردن» است؛

ث) عیناً مانند مورد (الف) است؛

ج) برخی «خوردن»‌ها «نوشیدن» هستند اما همه «نوشیدن»‌ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، گاهی «خوردن» به معنی «نوشیدن» است، و همیشه «نوشیدن» به معنی «خوردن»

است؛

چ) عیناً مانند مورد (ج) است.

مورد (ز) نیز کاربرد استعاره‌ی فعل «خوردن» را، در مواردی که توسط تابلوی فوق قابل نمایاندن نیستند، نشان می‌دهد و نمی‌توان استدلالی برای آن فرآیند نهاد.

الگوی دوم

Y	
Y	X
Y	X
	X

بر اساس الگوی دوم که انگاره کلی قسمت‌های (ب)، (خ) و (د) در تابلو است، "برخی Xها Y و برخی Yها X هستند". به عنوان نمونه قسمت (ب) را در نظر می‌گیریم که در جدول (۶) تکرار شده است.

جدول شماره (۶). بخش (ب) از مدل ذهنی فارسی‌زبانان

لیسیدن		
لیسیدن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	خوردن
لیسیدن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	خوردن
	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	خوردن

بر اساس این مدل، می‌توان چنین استدلال کرد: "برخی «خوردن»ها «لیسیدن» هستند و برخی «لیسیدن»ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، گاهی «خوردن» به معنی «لیسیدن» است، و گاهی «لیسیدن» به معنی «خوردن» است؛ و به قیاس از این نمونه:

(خ) برخی «خوردن»ها «برخورد کردن و مورد هدف قرار گرفتن» هستند و برخی «برخورد کردن»ها و «مورد هدف قرار گرفتن»ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، گاهی «خوردن» به معنی «برخورد کردن و مورد هدف قرار گرفتن» است، و گاهی «برخورد کردن و مورد هدف قرار گرفتن» به معنی «خوردن» است؛ و

(د) برخی «خوردن»ها «مصرف کردن و تلف کردن» هستند و برخی «مصرف کردن»ها و «تلف کردن»ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، گاهی «خوردن» به معنی «مصرف کردن و تلف کردن» است، و گاهی «مصرف کردن و تلف کردن» به معنی «خوردن» است.

الگوی سوم

Y	
Y	X
	X
	X

تفاوت این الگو با الگوی دوم تنها در کمیت است؛ به این صورت که گزاره کلی همان گزاره الگوی دوم است یعنی "برخی Xها Y و برخی Yها X هستند"، اما حوزه X و حوزه Y

همپوشی کمتری دارند. بر این اساس می‌توان گفت "تعداد کمی از Xها Y و تعداد کمی از Yها X هستند". قسمت (ح) در تابلو، برای مثال به شرح زیر است.

جدول شماره (۷). بخش (ح) از مدل ذهنی فارسی‌زبانان

استنشاق کردن		
استنشاق کردن	پدیده‌های عینی غیرخوراکی گازی	خوردن
	پدیده‌های عینی غیرخوراکی گازی	خوردن
	پدیده‌های عینی غیرخوراکی گازی	خوردن

بر اساس جدول (۷) و انگاره کلی می‌توان گفت: "تعداد کمی از «خوردن»ها «استنشاق کردن» هستند و تعداد کمی از «استنشاق کردن»ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، به ندرت «خوردن» به معنی «استنشاق کردن» است، و به ندرت «استنشاق کردن» به معنی «خوردن» است." و به قیاس از این نمونه:

(ذ) تعداد کمی از «خوردن»ها «جذب کردن» هستند و تعداد کمی از «جذب کردن»ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، به ندرت «خوردن» به معنی «جذب کردن» است، و به ندرت «جذب کردن» به معنی «خوردن» است؛

(ر) تعداد کمی از «خوردن»ها «احساس کردن و تجربه کردن» هستند و تعداد کمی از «احساس کردن»ها و «تجربه کردن»ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، به ندرت «خوردن» به معنی «احساس کردن و تجربه کردن» است، و به ندرت «احساس کردن و تجربه کردن» به معنی «خوردن» است.

۳-۲- مدل ذهنی هورامی‌زبانان

در هورامی نیز، مانند فارسی، wardæj 'خوردن' کاربرد گسترده‌ای دارد. جدول (۸) برخی از واژه‌هایی را که در هورامی موضوع «خوردن» واقع می‌شوند، ارائه کرده است.

جدول شماره (۸). طبقه‌بندی برخی از واژه‌هایی که در زبان هورامی با فعل 'wardæj خوردن' همراه می‌شوند

عینی					انتزاعی						
غیر خوراکی			خوراکی								
غیر قابل خوردن		قابل خوردن	مایع	جامد							
حالت یا عمل	ماده										
dæq	تا	hwa	هوا	sæm	سم	awi	آب	ʃfæfti	غذا	xæfæt	غصه
peʃ	پیچ	puł	پول	zæhr	زهر	ʃfaj	چای	məwæ	میوه	hrs	حرص
ʃin	چین	mał	مال	xołæ	خاک	nufabæ	نوشابه	nanae	نان	hæsraet	حسرت
tl	غلت	xætæ	خط	wni	خون	do	دوغ	noqł	آب‌نبات	xæfæt	غم
zærbæ	ضربه	tæqæle	بخیه			jærbæt	شربت	bæstæni	بستنی	goł	گول
dʒoʃ	جوش	rʃfæt	رشوه	...				læwafæk	لوانشک	hæq	حق
pewæs	پیوند	ængusæ	انگشت			...		qors	قرص	bæʃ	سهم
təkanae	تکان	naxun	ناخن					dʒadʒkæ	آدامس	qæsæm	قسم
trækæ	ترک	lkæ	گره					...		qorʔan	قرآن
dæwr	دور	pa	پا							xoða	خدا
		wa	باد							ʔeʃ	درد
		wæraetaw	آفتاب							we	خود
		dæs	دست							ter	سیر
		særae	سر								
		ʃiʃæ	پستان								
		dʒgærae	سیگار								
		mæʒg	مغز								

با مقایسه جدول فوق با جدول داده‌های فارسی (جدول (۳)) می‌توان پیش‌بینی کرد که تفاوت چندانی میان مدل ذهنی «خوردن» فارسی‌زبانان و هورامی‌زبانان وجود نداشته باشد. عناصری در این جدول هستند که در جدول قبلی وجود ندارند، و بالعکس، عناصری از جدول قبل در این جدول نیستند، اما مقولات آنها یکسان است. پدیده‌های انتزاعی، خوراکی‌ها، نوشیدنی‌ها، اعضای بدن، گازها، اشیاء و... در این دو جدول به صورت تقریباً مشابه حضور دارند. تابلوی ذهنی فرضی هورامی‌زبانان از فعل 'wardæj خوردن' به صورت جدول (۹) است.

جدول شماره (۹). تابلوی ذهنی هورامی‌زبانان از فعل 'wardæj خوردن'

خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	خوردن	جویدن و بلعیدن
خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	خوردن	جویدن و بلعیدن
خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد		
		لیسیدن	
خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	لیسیدن	

(ب)

	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	لیسیدن
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	
پ)	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	بلعیدن
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	بلعیدن
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	
ت)	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	جویدن
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	جویدن
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی جامد	
ث)	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی قابل خوردن جامد	خوردن
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی قابل خوردن جامد	جویدن و بلعیدن
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی قابل خوردن جامد	جویدن و بلعیدن
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی قابل خوردن جامد	
ج)	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی مایع	نوشیدن = آشامیدن
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی مایع	نوشیدن = آشامیدن
	خوردن	پدیده‌های عینی خوراکی مایع	
چ)	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی قابل خوردن مایع	نوشیدن = آشامیدن
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی قابل خوردن مایع	نوشیدن = آشامیدن
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی قابل خوردن مایع	
ح)	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی گازی	استنشاق کردن
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی گازی	استنشاق کردن
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی گازی	استنشاق کردن
خ)	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی غیر قابل خوردن	برخورد کردن، مورد هدف قرار گرفتن
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی غیر قابل خوردن	برخورد کردن، مورد هدف قرار گرفتن
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی غیر قابل خوردن	

	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی	
		غیر قابل خوردن	
(د)		مصرف کردن، تلف کردن	
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی	
		غیر قابل خوردن	
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی	
		غیر قابل خوردن	
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی	
		غیر قابل خوردن	
(ذ)		جذب کردن	
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی	
		غیر قابل خوردن مایع و گاز	
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی	
		غیر قابل خوردن مایع و گاز	
	خوردن	پدیده‌های عینی غیر خوراکی	
		غیر قابل خوردن مایع و گاز	
(ر)		احساس کردن، تجربه کردن	
	خوردن	پدیده‌های انتزاعی	
	خوردن	پدیده‌های انتزاعی	
	خوردن	پدیده‌های انتزاعی	
(ز)	خوردن	پدیده‌های انتزاعی	معنای استعاری
	خوردن	پدیده‌های انتزاعی	معنای استعاری
	خوردن	پدیده‌های انتزاعی	

چنان‌که پیشتر نیز ذکر شد و از تابلوی فوق پیدا است، تفاوت چندانی میان تابلوی ذهنی «خوردن» فارسی‌زبانان و هورامی‌زبانان وجود ندارد. الگوها همان الگوها هستند و تابلوها جز در دو مورد، که آن هم به ایجاد الگوی متفاوتی منجر نشده، بر هم منطبق هستند. تنها تفاوت در دو قسمت (ح) و (خ) است. به این صورت که در تابلوی مربوط به فارسی‌زبانان قسمت (ح) متعلق به الگوی سوم و قسمت (خ) متعلق به الگوی دوم بود، اما در تابلوی مربوط به هورامی‌زبانان، برعکس، (ح) متعلق به الگوی دوم و (خ) متعلق به الگوی سوم است. بنابراین، استدلال‌های مطرح‌شده، جز در این دو مورد، یکسان است و از ذکر مجدد آنها خودداری شده و تنها به ارائه استدلال مربوط به دو قسمت یادشده بسنده می‌شود.



ح) برخی از «خوردن»ها «استنشاق کردن» هستند و برخی از «استنشاق کردن»ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، گاهی «خوردن» به معنی «استنشاق کردن» است، و گاهی «استنشاق کردن» به معنی «خوردن» است؛ و

خ) تعداد کمی از «خوردن»ها «برخورد کردن و مورد هدف قرار گرفتن» هستند و تعداد کمی از «برخورد کردن»ها و «مورد هدف قرار گرفتن»ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، به ندرت «خوردن» به معنی «برخورد کردن و مورد هدف قرار گرفتن» است، و به ندرت «برخورد کردن و مورد هدف قرار گرفتن» به معنی «خوردن» است.

### ۳-۳- مقایسه مدل ذهنی فارسی‌زبانان و هورامی‌زبانان

از مقایسه تابلوهای ذهنی مربوط به دو گروه زبانی بررسی شده به این نتیجه می‌رسیم که تفاوت عمیق و معنی‌داری با هم ندارند. مدل ذهنی هر دو گروه قابل تقلیل به سه الگوی کلی است که در جدول (۱۰) مشاهده می‌شوند.

جدول شماره (۱۰). سه الگوی کلی موجود در مدل‌های ذهنی فارسی‌زبانان و هورامی‌زبانان

Y		Y			
Y	X	Y	X	Y	X
	X	Y	X	Y	X
	X		X		X

مدل ذهنی گویشوران هر دو زبان از تعداد یکسانی از این الگوها، شامل ۷ الگوی اول، سه الگوی دوم و سه الگوی سوم، تشکیل شده است. تنها تفاوت آنها در این است که یکی از مواردی که در مدل فارسی‌زبانان از الگوی دوم تبعیت می‌کند، در مدل هورامی‌زبانان تحت الگوی سوم قرار می‌گیرد، و یکی از مواردی که در مدل فارسی‌زبانان متعلق به الگوی سوم است در مدل هورامی‌زبانان به الگوی دوم تعلق دارد. تفاوت نخست در قسمت ح) تابلوها است که در زیر، در جدول‌های (۱۱) و (۱۲)، مشاهده می‌شود:

جدول شماره (۱۱). بخش ح) از مدل ذهنی فارسی‌زبانان

استنشاق کردن		ح)
استنشاق کردن	پدیده‌های عینی غیرخوراکی‌گازی	خوردن
	پدیده‌های عینی غیرخوراکی‌گازی	خوردن
	پدیده‌های عینی غیرخوراکی‌گازی	خوردن

جدول (۱۲). بخش (ح) از مدل ذهنی هورامی‌زبانان

استنشاق کردن		(ح)
خوردن	پدیده‌های عینی غیرخوراکیِ گازی	استنشاق کردن
خوردن	پدیده‌های عینی غیرخوراکیِ گازی	استنشاق کردن
خوردن	پدیده‌های عینی غیرخوراکیِ گازی	

و نتیجه حاصل از این قرار است:

در فارسی:

(ح) تعداد کمی از «خوردن»ها «استنشاق کردن» هستند و تعداد کمی از «استنشاق کردن»ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، به ندرت «خوردن» به معنی «استنشاق کردن» است، و به ندرت «استنشاق کردن» به معنی «خوردن» است.

در هورامی:

(ح) برخی از «خوردن»ها «استنشاق کردن» هستند و برخی از «استنشاق کردن»ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، گاهی «خوردن» به معنی «استنشاق کردن» است، و گاهی «استنشاق کردن» به معنی «خوردن» است.

از این مقایسه می‌توان نتیجه گرفت که در هورامی موارد بیشتری از استنشاق گاز در ذهن به صورت «خوردن» بازنمایی می‌شود.

و تفاوت دیگر در قسمت (خ) است:

جدول شماره ۱۳. بخش (خ) از مدل ذهنی فارسی‌زبانان

برخورد کردن، مورد هدف قرار گرفتن		(خ)
خوردن	پدیده‌های عینی غیرخوراکیِ غیرقابل خوردن	برخورد کردن، مورد هدف قرار گرفتن
خوردن	پدیده‌های عینی غیرخوراکیِ غیرقابل خوردن	برخورد کردن، مورد هدف قرار گرفتن
خوردن	پدیده‌های عینی غیرخوراکیِ غیرقابل خوردن	

جدول شماره ۱۴. بخش (خ) از مدل ذهنی هورامی‌زبانان

برخورد کردن، مورد هدف قرار گرفتن		(خ)
خوردن	پدیده‌های عینی غیرخوراکیِ غیرقابل خوردن	برخورد کردن، مورد هدف قرار گرفتن
خوردن	پدیده‌های عینی غیرخوراکیِ غیرقابل خوردن	
خوردن	پدیده‌های عینی غیرخوراکیِ غیرقابل خوردن	

و در نتیجه، در فارسی:

خ) برخی «خوردن»ها «برخورد کردن و مورد هدف قرار گرفتن» هستند و برخی «برخورد کردن»ها و «مورد هدف قرار گرفتن»ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، گاهی «خوردن» به معنی «برخورد کردن و مورد هدف قرار گرفتن» است، و گاهی «برخورد کردن و مورد هدف قرار گرفتن» به معنی «خوردن» است.

و در هورامی:

خ) تعداد کمی از «خوردن»ها «برخورد کردن و مورد هدف قرار گرفتن» هستند و تعداد کمی از «برخورد کردن»ها و «مورد هدف قرار گرفتن»ها «خوردن» هستند؛ در نتیجه، به ندرت «خوردن» به معنی «برخورد کردن و مورد هدف قرار گرفتن» است، و به ندرت «برخورد کردن و مورد هدف قرار گرفتن» به معنی «خوردن» است.

بنابراین، در فارسی بیش از هورامی، موارد «برخورد کردن و مورد هدف قرار گرفتن» به صورت «خوردن» بازنمایی می‌شوند.

#### ۴- نتیجه‌گیری

بررسی حاضر، بر اساس نظریه مدل‌های ذهنی جانسون- لیرد (۱۹۸۰ و ۱۹۸۳)، با هدف مقایسه مدل‌های ذهنی گویشوران فارسی‌زبان و هورامی‌زبان به انجام رسید. این مقایسه بر اساس مدل ذهنی فرضی یک فعل با معنای 'خوردن' در هر دو زبان مورد بررسی بود - «خوردن» و wardæj. پس از گردآوری داده‌های لازم و استخراج مدل‌های دو گروه و در نتیجه بررسی و مقایسه آنها مشخص شد که مدل‌ها تفاوت چندانی با هم ندارند، تا حدی که چشم‌پوشی از اندک تفاوت موجود، که شرح آن در بخش (۳-۳) آمد، آسیبی به نتایج بررسی نمی‌زند. مدل ذهنی گویشوران فارسی‌زبان و هورامی‌زبان، به ترتیب در جدول‌های (۴) و (۹) آمده است. دو مدل تقریباً منطبق بر هم و دارای سه الگوی تکرارشونده یکسان هستند که در جدول (۱۰) قابل مشاهده است.

در یک مطالعه مشابه، روشن و وندحسینی (۱۳۹۲) مدل‌های ذهنی فارسی‌زبانان و آذری‌زبانان را، با استفاده از چند فعل مرکب، مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که مدل‌ها بسیار متفاوت هستند. بر اساس یافته‌های آنان، مدل ذهنی فارسی‌زبانان از فعل‌های مرکب

دارای جزء فعلی «خوردن» پیچیده‌تر از مدل ذهنی مربوط به این افعال در میان آذری‌زبانان است.

اما علی‌رغم شباهت عمیقی که در مدل‌های ذهنی گویشوران فارسی و هورامی وجود دارد، تعدادی باهم‌آیی واژگانی متفاوت در این دو زبان به چشم می‌خورند. مثلاً در هورامی 'xoda' 'خدا' و 'dʒgæræ' 'سیگار' با 'wardæj' 'خوردن' همراه می‌شوند، اما معادل‌های فارسی این کلمات چنین باهم‌آیی‌هایی تشکیل نمی‌دهند. در مقابل، در فارسی نیز واژه‌هایی چون «لیز» و «تیر» با «خوردن» همراهی می‌کنند که معادل آنها در هورامی چنین تمایلی نشان نمی‌دهد. بررسی مقابله‌ای این باهم‌آیی‌ها خود می‌تواند موضوع پژوهشی جداگانه باشد.

هرچند این بررسی تنها به یک فعل پرداخته و طبعاً نتایج آن نمی‌تواند تعمیم داده شوند و یا بر اساس آنها حکمی کلی صادر کرد، اما احتمالاً می‌توان بر اساس عواملی شباهت میان دو مدل ذهنی را توضیح داد. می‌دانیم که زبان‌ها متفاوتند و مردم جوامع مختلف تجربیات متفاوتی از جهان دارند و این‌ها باعث به وجود آمدن این انتظار می‌شوند که مدل‌های ذهنی گویشوران زبان‌های مختلف، متفاوت باشند. بر همین اساس، می‌توان انتظار داشت که شباهت یا قرابت زبانی، فرهنگی و جغرافیایی، اگرچه نه در همه موارد، از میزان تفاوت‌ها بکاهد. در نتیجه، با توجه به این نکات که فارسی و هورامی هر دو در زمره زبان‌های ایرانی هستند، گویشوران هر دو زبان از نظر نژادی جزء اقوام ایرانی هستند، هر دو زبان در یک محدوده جغرافیای سیاسی تکلم می‌شوند، مشابهت‌های فرهنگی و اجتماعی زیادی با هم دارند، فارسی زبان رسمی، زبان آموزش، زبان رسانه‌ها و در نتیجه زبان دوم تقریباً همه گویشوران هورامی است و غیره، شباهت عمیق مدل‌های ذهنی شاید طبیعی باشد. البته، صدور حکم قطعی در این باره منوط به انجام پژوهش‌های بیشتر و گسترده‌تر است.

نتیجه قابل توجه دیگر این پژوهش، به باور نگارندگان، کارآمدی نظریه جانسون-لیرد در تعیین و توضیح معنای فعل‌های مورد بررسی، به روش استدلالی او است. چنان‌که در بخش (۳) آمد، با استفاده از این روش معانی مختلف فعل 'خوردن' با دقتی تقریباً بالا و همپوشی معنای آن با معنای دیگر فعل‌ها به روشنی و به صورتی ملموس‌تر قابل توضیح است.

## منابع

استرنبرگ، رابرت (۱۳۸۷). روان‌شناسی شناختی. ویراست چهارم. مترجم: سید کمال خرازی و الهه حجازی. تهران: سمت.

بی‌جن‌خان، محمود و مهدی محسنی (۱۳۹۰). فرهنگ بسامدی: بر اساس بیکره متنی زبان فارسی / امروز. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

تاگارد، پاول (۱۳۹۱). ذهن: درآمدی بر علوم شناختی. مترجم: رامین گلشائی. تهران: سمت.  
دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). فرهنگ متوسط دهخدا (به کوشش غلامرضا ستوده، ایرج مهرکی و اکرم سلطانی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

راسخ مهند، محمد و زانیار نقشبندی (۱۳۹۲). تأثیر قدرت موضوعات فعلی بر حالت‌نمایی افتراقی: شواهدی از گویش هورامی. *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال اول، شماره ۱، ۲۱-۱.

روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی. تهران: علم.  
روشن، بلقیس و مینا وندحسینی (۱۳۹۲). مقایسه مدل‌های ذهنی فارسی‌زبانان و آذری‌زبانان (بررسی موردی مصدرهای مرکب با جزءهای فعلی خوردن، زدن، کشیدن و گرفتن). *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال اول، شماره ۳، ۶۹-۱۰۱.

عباسی، بیستون و کریستین کزازی (۱۳۹۲). بررسی واژگان خویشاوندی هورامی بر اساس معیارهای موردادک. *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال اول، شماره ۲، ۳۱-۵۵.  
غلامعلی‌زاده، خسرو و بیستون عباسی (در دست تألیف). گنجواژه: فرهنگ کاربردی زبان فارسی.

کامبوزیا، عالیه کرد زعفرانلو و سید مهدی سجادی (۱۳۹۲). ساخت هجا در زبان هورامی (گویش هورامان تخت). *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال اول، شماره ۲، ۵۷-۷۸.  
نقشبندی، زانیار (۱۳۹۲). دستوری‌شدگی ترتیب سازه‌ای در ساخت‌های کنایی نشان‌دار در گویش هورامی. در: مهرداد نغزگوی کهن، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی زبان‌های ایرانی (صص ۱۹۳-۲۱۲)، تهران: نویسه.

Abasi, B. and Gheitory, A. (2012). Semantics of Hawrami Body Part Terms. *Iran and the Caucasus*, 16 (3), 319-335.

Craik, K. (1943). *The Nature of Explanation*. Cambridge: Cambridge University Press.

Garman, M. (1990). *Psycholinguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.

Gunter, M. M. (2003). *The A to Z of the Kurds*. Lanham: Scarecrow Press, Inc.

Haig, G. L. (2004). *Alignment in Kurdish: a diachronic perspective*. Unpublished Habilitationsschrift: Philosophische Fakultät der Christian-Albrechts-Universität zu Kiel.

Johnson-Laird, P. N. (1977). Procedural Semantics. *Cognition*, 5, 189-214.

- Johnson-Laird, P. N. (1980). Mental Models in Cognitive Science. *Cognitive Science*, 40, 71-115.
- Johnson-Laird, P. N. (1983). *Mental Models: Towards a Cognitive Science of Language, Inference, and Consciousness*. Harvard University press.
- Johnson-Laird, P. N. (1988). How is Meaning Mentally Represented? In. U. Eco, M. Santambrogio & P. Violi (Eds.), *Meaning and Mental Representations*, (pp. 99-118). Indiana University Press.
- Johnson-Laird, P. N. (1995). Mental Models. In. R. A. Wilso & F. C. Keil (Eds.), *The MIT Encyclopedia of Cognitive Sciences*, 525-527. Cambridge, MA: MIT Press.
- MacKenzie, D. N. (1987, December 15). Avroman: The Dialect of Avroman. Retrieved from *Encyclopedia Iranica*: <http://www.iranica.com/articles/avromani-the-dialect-of-avroman-q>
- MacKenzie, D. N. (2002, December 15). Gurani. Retrieved from *Encyclopedia Iranica*: <http://www.iranica.com/articles/gurani>